

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ • ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر:۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شتر

دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ • ۱۴ ذی‌القعده ۱۴۴۶ • ۱۲ می ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۰۷ • ۱۲ صفحه • اذان ظهرتهران ۱۲:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۰۲ • اذان صبح فردا ۳:۲۳ • طلوع آفتاب ۵:۰۱

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

هنرخوانی

دور باطل تمجید و تکفیر



سهام‌الدین بورقانی

مواجهه روزنامه کیهان با بسیاری از چهره‌های فرهنگی و هنری، شباهت زیادی به رابطه برخی زوج‌هایی دارد که نه جسارت ترک یکدیگر را دارند و نه اراده‌ای برای حل اختلافاتشان. انکار سرنوشت محتوم‌شان، همزیستی غیرمسالمت‌آمیز است؛ رابطه‌ای پر تنش که مدام باید در معرض چشم دیگران قرار گیرد، بی‌آنکه حافظه‌ای چندان قوی داشته باشند. یک روز درگیر جدالی پسروصدا بوده‌اند و روز دیگر چنان از یکدیگر تمجید می‌کنند که گویی هیچ‌گاه نزاعی در کار نبوده است. حالا توبت مهران مدبری است که بار دیگر از سوی کیهان به او حمله شود. این روزنامه در تازه‌ترین موضع‌گیری خود، او و رضا عطاران را فاقد توان خلق طنز «وزین» دانسته و فقط سیروس مقدم را با سریال «پایتخت» نماینده شایسته فرهنگ ایرانی معرفی کرده است. البته توقع نقد هنری و فرهنگی دقیق و منصفانه نمی‌رود، اما اگر قرار است بر فراموش‌کاری مخاطب حساب شود، بد نیست حداقلی از منطق و قاعده را هم رعایت کند.

من نه شیفته مدیری‌ام و نه نقد را بی‌اثر می‌دانم. او را کنشگری در عرصه هنر می‌دانسم که به دلایل گوناگون به موفقیت‌هایی رسیده است؛ موفقیت‌هایی که بسیاری از آنها هم لزوماً ربط مستقیمی به توانایی شخصی‌اش ندارد. اما اگر بناست نقدی نوشته شود، نباید چنان بی‌قاعده و احساسی باشد که اگر روزی به اقتضای موقعیت، ناچار به تمجید همان فرد شدی، خودت هم شرمنده تناقض گفتارت باشی.

مهران مدبری در بسیاری از شوها و سریال‌هایش، به تغییر باد سیاست هم نظری ویژه داشته است و تلاش کرده نسبت به جریان‌های سیاسی و اجتماعی واکنش نشان دهد؛ اما تقریباً همیشه، تیغ نقدش فقط به سوی یک جریان خاص، یعنی دولت‌های اصلاح‌طلب، نشانه رفته است.

کیهان و رسانه‌های همسو با آن نیز رفتاری مشابه دارند؛ اگر مدیری رفتاری همسو با نگاه سیاسی‌شان داشته، تمجیدش کرده‌اند و اگر خلاف آن، به کلی از اساس وجودش را زیر سؤال برده‌اند. نمونه‌ها کم نیستند. دی‌ماه ۱۳۹۶ نوشته بودند: «دعوت از بازیگر فیلم «قلاده‌های طلا» و بیان چند انتقاد ساده و نه‌چندان تأثت باعث شد تا روزنامه «آفتاب یزد» از کوره دربرود. نکته جالب این است که حمله به مهران مدبری در این روزنامه نه از سوی بخش فرهنگی و سینمایی بلکه توسط گروه سیاسی اتفاق افتاده است.» در اسفند ۱۳۹۸، از دورهمی به‌عنوان برنامه‌ای یاد شد که برخلاف دیگران، برای امیدبخشی به مردم تلاش می‌کند، اما چند ماه بعد در تیر همان سال، نوشتند: «مهران مدبری هم مثل بقیه سلب‌بریتی‌ها فقط به پول فکر می‌کند». حتی سال‌ها پیش، در سال ۱۳۸۲، وقتی سیدمیری در سریال ضعیف و سطحی «قطعه‌چین»، منسجم‌ترین مجلس پس از انقلاب را نه نقد بلکه تمسخر می‌کرد، کیهان چنان به وجد آمده بود که از ستایش آن غافل نمی‌شد.

اما فراتر از مصداق‌های پرشش اصلی این است: آیا از نگاه کیهان و همفكرانش، هنر فقط وقتی ارزشمند است که در تأیید باورهای مسلط باشد؟ آیا هنر فقط ابزاری برای تبلیغ سیاست و گفتمان ایدئولوژیک مطلوب شماسنت و نه بستری برای تفکر، خلاقیت و نقد اجتماعی؟ چنین نگاهی، خطرناک‌ترین نوع مواجهه با هنر است و پیامدهای آن سال‌هاست که پیش چشم همه است.



فقط کلمه Dear نبود که زندگی عباس امیرانتظام را نابود کرد؛ کافی است تکه‌هایی کنار هم چیده شود و سپس آن مسیر دنبال شود تا به نقطه پایان یک مرد برسیم. هیچ‌کس فکر نمی‌کرد رابطه نزدیک و سراسر اعتماد استاد به دانشجویش به چنین فاجعه‌ای ختم شود. آن‌قدر که مهدی بازرگان گفته بود تا زمانی که مسئله امیرانتظام حل نشود، دست می از گور بیرون می‌ماند. جرقه همه چیز برای مرد ایران‌دوستی که در سال ۱۳۳۶ ایجاد سپاه کار و دانش و کشاورزی و صنعت را به شاه پیشنهاد داده بود، در یک سال زده شد؛ از بهمن ۱۳۵۷ تا زمان دستگیری‌اش در ۱۳۵۸ به جرم سنگین جاسوسی؛ به او که عضو شورای رهبری جبهه ملی ایران، معاون نخست‌وزیر و البته سخنگوی دولت مهندس بازرگان بود. مردی مبادی آداب، بلندبالا و شیک‌پوش که سه ماه پس از تأسیس نهضت آزادی و عضویت در آن و با مدرک کارشناسی ارشد مهندسی برق و ماشین از دانشکده فنی دانشگاه تهران که در سال ۱۳۳۴ اخذ شده بود، با دریافت یک بورسیه تحصیلی عازم فرانسه شد و از آنجا در سال ۱۳۴۲ گواهینامه بتون دریافت کرد و سپس راهی آمریکا شد و در دانشگاه برکلی، در سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۵ کارشناسی ارشد سازه ساختمان خواند. تنها فعالیت سیاسی او تا پیش از این، هم‌زمان با تحصیل در مدرسه دارالفنون، جذب‌شدن به سمت دکتر محمد مصدق و شرکت در جنبش ملی‌شدن صنعت نفت بود. او در سال ۱۳۳۲ نامه اعتراض نهضت مقاومت ملی ایران درباره کودتای ۲۸ مرداد را تسلیم ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا کرد و تا سال ۱۳۴۲ استاداش مهندس بازرگان را در فعالیت‌های سیاسی همراهی کرد. عباس امیرانتظام ۴۷ساله، در حالی سخنگوی دولت بود که مورد انتقاد

فقط کلمه Dear نبود که زندگی عباس امیرانتظام را نابود کرد؛ کافی است تکه‌هایی کنار هم چیده شود و سپس آن مسیر دنبال شود تا به نقطه پایان یک مرد برسیم. هیچ‌کس فکر نمی‌کرد رابطه نزدیک و سراسر اعتماد استاد به دانشجویش به چنین فاجعه‌ای ختم شود. آن‌قدر که مهدی بازرگان گفته بود تا زمانی که مسئله امیرانتظام حل نشود، دست می از گور بیرون می‌ماند. جرقه همه چیز برای مرد ایران‌دوستی که در سال ۱۳۳۶ ایجاد سپاه کار و دانش و کشاورزی و صنعت را به شاه پیشنهاد داده بود، در یک سال زده شد؛ از بهمن ۱۳۵۷ تا زمان دستگیری‌اش در ۱۳۵۸ به جرم سنگین جاسوسی؛ به او که عضو شورای رهبری جبهه ملی ایران، معاون نخست‌وزیر و البته سخنگوی دولت مهندس بازرگان بود. مردی مبادی آداب، بلندبالا و شیک‌پوش که سه ماه پس از تأسیس نهضت آزادی و عضویت در آن و با مدرک کارشناسی ارشد مهندسی برق و ماشین از دانشکده فنی دانشگاه تهران که در سال ۱۳۳۴ اخذ شده بود، با دریافت یک بورسیه تحصیلی عازم فرانسه شد و از آنجا در سال ۱۳۴۲ گواهینامه بتون دریافت کرد و سپس راهی آمریکا شد و در دانشگاه برکلی، در سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۵ کارشناسی ارشد سازه ساختمان خواند. تنها فعالیت سیاسی او تا پیش از این، هم‌زمان با تحصیل در مدرسه دارالفنون، جذب‌شدن به سمت دکتر محمد مصدق و شرکت در جنبش ملی‌شدن صنعت نفت بود. او در سال ۱۳۳۲ نامه اعتراض نهضت مقاومت ملی ایران درباره کودتای ۲۸ مرداد را تسلیم ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا کرد و تا سال ۱۳۴۲ استاداش مهندس بازرگان را در فعالیت‌های سیاسی همراهی کرد. عباس امیرانتظام ۴۷ساله، در حالی سخنگوی دولت بود که مورد انتقاد

فقط کلمه Dear نبود که زندگی عباس امیرانتظام را نابود کرد؛ کافی است تکه‌هایی کنار هم چیده شود و سپس آن مسیر دنبال شود تا به نقطه پایان یک مرد برسیم. هیچ‌کس فکر نمی‌کرد رابطه نزدیک و سراسر اعتماد استاد به دانشجویش به چنین فاجعه‌ای ختم شود. آن‌قدر که مهدی بازرگان گفته بود تا زمانی که مسئله امیرانتظام حل نشود، دست می از گور بیرون می‌ماند. جرقه همه چیز برای مرد ایران‌دوستی که در سال ۱۳۳۶ ایجاد سپاه کار و دانش و کشاورزی و صنعت را به شاه پیشنهاد داده بود، در یک سال زده شد؛ از بهمن ۱۳۵۷ تا زمان دستگیری‌اش در ۱۳۵۸ به جرم سنگین جاسوسی؛ به او که عضو شورای رهبری جبهه ملی ایران، معاون نخست‌وزیر و البته سخنگوی دولت مهندس بازرگان بود. مردی مبادی آداب، بلندبالا و شیک‌پوش که سه ماه پس از تأسیس نهضت آزادی و عضویت در آن و با مدرک کارشناسی ارشد مهندسی برق و ماشین از دانشکده فنی دانشگاه تهران که در سال ۱۳۳۴ اخذ شده بود، با دریافت یک بورسیه تحصیلی عازم فرانسه شد و از آنجا در سال ۱۳۴۲ گواهینامه بتون دریافت کرد و سپس راهی آمریکا شد و در دانشگاه برکلی، در سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۵ کارشناسی ارشد سازه ساختمان خواند. تنها فعالیت سیاسی او تا پیش از این، هم‌زمان با تحصیل در مدرسه دارالفنون، جذب‌شدن به سمت دکتر محمد مصدق و شرکت در جنبش ملی‌شدن صنعت نفت بود. او در سال ۱۳۳۲ نامه اعتراض نهضت مقاومت ملی ایران درباره کودتای ۲۸ مرداد را تسلیم ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا کرد و تا سال ۱۳۴۲ استاداش مهندس بازرگان را در فعالیت‌های سیاسی همراهی کرد. عباس امیرانتظام ۴۷ساله، در حالی سخنگوی دولت بود که مورد انتقاد

صاف و ساده

ما ماندیم و جای خالی مسئولیت



قادرباستانی‌تبریزی

کسانی که در تولید و ترویج آن گفتمان‌های پرهزینه نقش محوری داشتند، نه‌تنها هیچ‌گاه مسئولیت تبعات تصمیمات‌شان را بر عهده نگرفتند، بلکه امروز نیز بی‌هیچ تغییر و تحول در نگاه یا روش، همچنان در همان جایگاه‌ها به نسخه‌پیچی مشغول‌اند. همین امروز، در بازخوانی روزنامه‌های بهار ۱۳۸۲، به نام‌هایی برخوردیم که هنوز هم در فضای رسمی حضوری پررنگ دارند. اقتصاددانی که با قطعیت فروپاشی قریب‌الوقوع اقتصاد آمریکا را پیش‌بینی کرده و بدون هیچ تردیدی می‌گفت اساساً هیچ اقدام مؤثری از ایالات متحده برنمی‌آید. یا سرمقاله‌نویسی که با لحنی آمرانه از دولت وقت می‌خواست فوراً از پیمان «ان‌پی‌تی» خارج شود و دستگاه دیپلماسی کشور را به دلیل تعلل در این مسیر، توبیخ می‌کرد. این افراد هنوز می‌نویسند، سخن می‌گویند، دعوت به همان مسیری‌ها می‌کنند و هیچ نشانی از تأمل یا بازنگری در تحلیل‌های پیشین‌شان دیده نمی‌شود. نه مسئولیتی پذیرفته‌اند، نه بابت خطاهای گذشته مؤاخذه شده‌اند و نه حتی برای لحظه‌ای در معرض پرسش و ارزیابی قرار گرفته‌اند. این چرخه تکرار بی‌تأمل، یکی از آسیب‌های مزمن سیاست‌ورزی در ایران معاصر است؛ جایی که غیبت مکانیسم‌های شفاف مسئولیت‌پذیری، به‌ویژه در ساحت نخبگان رسانه‌ای و سیاسی، نه‌تنها امکان یادگیری جمعی را از بین برده، بلکه راه را بر هرگونه اصلاح مسیر نیز بسته است. در وضعیت امروز، ایران با مجموعه‌ای از ناترازی‌های ساختاری روبه‌رو است که عمدتاً ریشه در همان دوره و سبک حکمرانی دارد. نه‌فقط در حوزه اقتصاد،



برداشت برگ سبز جای در استان‌های گیلان و مازندران هرساله در سه چین بهار، تابستانه و پاییزه صورت می‌گیرد. چین بهار از اوایل اردیبهشت، تابستانه از نیمه دوم خرداد و چین پاییزه از شهریور آغاز و تا پایان مهر به اتمام می‌رسد. براساس آخرین آمار، ۵۵ هزار جایی‌کار استان‌های گیلان و مازندران، در باغ‌هایی به وسعت ۲۵ هزار هکتار، جای برداشت می‌کنند. عکس: مجتبی محمدی، ایرنا

برای عباس امیرانتظام

قربانی معرکه



زهرامشاق

کلمه، در کنار نگاه پر از دشمنی و کینه‌توزانه‌ای که درباره او وجود داشت، اسم رمزی برای نابودی او شد. با احضار او به ایران از سوی کمال خرازی، معاون وقت وزیر خارجه، او را به اتهام ارتباط با آمریکا محاکمه و به اعدام محکوم کردند. تلاش‌های بازرگان سبب کاهش این حکم به حبس ابد شد. عباس امیرانتظام به گفته بازجوی خود، محمدحسین متقی، قربانی معرکه آمریکاستیزی و جو ضد بازرگان شد که به تحریک شوروی و حزب توده غلم شده بود. او در حالی در دادگاه انقلاب محاکمه شد که بازجوی پرونده‌اش با تنظیم صورت‌جلسه‌ای مبنی بر بی‌گناهی او، آن را تسلیم علی قدوسی، دادستان کل انقلاب کرد. او در تمام سال‌های محکومیت خود، خواستار برگزاری یک دادگاه عادلانه بود. مردی که از سوی دشمنان خود جاسوس خطاب شد، از نگاه دوستدارانش نلسون ماندلای ایران لقب گرفت. عباس امیرانتظام عنوان قدیمی‌ترین زندانی سیاسی را به خود اختصاص داده است و از زمان دستگیری و تا پایان عمر، هرگز حکم او لغو نشد. پس از دستگیری و زندانی‌شدن، زندگی خانوادگی او از هم پاشید و نزدیک به ۴۰ سال از دیدار با فرزندان خود محروم بود. او حدود ۲۰ سال آخر زندگی خود را به دلیل بیماری‌های مختلفی که در سال‌های سخت زندان دچار شده بود، با مرخصی استعلاجی که ابتدا ماهانه و سپس سالانه تمدید می‌شد، میان بیمارستان و خانه سیری کرد، اما هرگز حکم او شکسته نشد و او تا پایان عمر خواستار برگزاری یک دادگاه عادلانه بود. برای او هیچ رنجی عمیق‌تر از آن نبود که او را جاسوس بدانند.

او در حالی در ۲۱ تیرماه ۱۳۹۷ درگذشت که تنها آرزویش بعد از ۳۹ سال زندانی‌بودن، اثبات بی‌گناهی‌اش بود.

سوگ‌خوانی

امروز، تشییع شیوا ارسطویی



مراسم تشییع پیکر و خاک‌سپاری شیوا ارسطویی، امروز دوشنبه ۲۲ اردیبهشت برگزار می‌شود. مراسم بدرقه این نویسنده و شاعر به خانه ابدی‌اش از ساعت ۹ صبح در خانه هنرمندان به نشانی خیابان کریمخان، خیابان ایرانشهر، ضلع جنوبی پارک هنرمندان برگزار می‌شود. شیوا ارسطویی متولد اردیبهشت ۱۳۴۰ در تهران، نویسنده، شاعر و مدرس داستان‌نویسی بود که ۱۶ اردیبهشت در ۶۴سالگی از دنیا رفت. مجموعه داستانه‌ای «آمده بودم با دخترم جای بخورم»، «آفتاب مهتاب» و «من دختر نیستم»، رمان‌های «بی‌بی شهروزاد»، «افقون»، «او را که دیدم زیبا شدم»، نسخه اول، «آسمان خالی نیست»، «نی‌تا»، «خوف» و «ولی دیوانه‌وار» و مجموعه شعرهای «گم» و «بیا تمامش کنیم» از آثار اوست.

اتفاق‌خوانی

ادای احترام به آلن دلون



جشنواره کن ۲۰۲۵ به برپایی نمایشگاه عکسی در فضای باز شهر، از یکی از بزرگ‌ترین چهره‌های سینمای فرانسه تجلیل می‌کند. شهرداری کن با همکاری مؤسسه بین‌المللی توزیع آثار آلن دلون از تاریخ ۱۳ می تا ۱۳ ژوئن میزبان نمایشگاه عکس آلن دلون خواهد بود؛ نمایشگاهی که شامل عکس‌های نامدین و کمتر دیده‌شده از آلن دلون است که در دیوارهای شهر، به‌ویژه در خیابان معروف آنتیپ، به نمایش درمی‌آید. این نمایشگاه بخشی از بیست‌ویکمین دوره برنامه «کن بر دیوار» (Cannes fait le Mur) است؛ رویدادی هنری که هر سال هم‌زمان با جشنواره فیلم کن برگزار می‌شود و با هدف ارتقای فرهنگ بصری، هنر را به خیابان‌ها می‌کشاند. برخلاف گالری‌های بسته و فضاهای محدود، کن در این ادای احترام، شهر را به موزه‌ای باز تبدیل کرده است. مخاطبان می‌توانند در گذر از خیابان‌های شهر، به‌ویژه خیابان آنتیپ، عکس‌هایی بزرگ از دلون را تماشا کنند که گاه بر روی دیوارها و گاه به شکل پارچه‌های معلق در هوا به نمایش درآمده‌اند. آلن دلون که بازی در ۸۰ فیلم ازجمله چندین شاهکار سینمایی را در کارنامه دارد، اولین بار در سال ۱۹۶۰ و زمانی که ۲۵ سال داشت، با بازی در فیلم «ظهر بنفش» از سوی رنه کلمنت، کارگردان فیلم کشف شد. بسیاری از فیلم‌ها با بازی آلن دلون تبدیل به کلاسیک‌های سینما شدند و او در دوران حرفه‌ای خود با کارگردان نامداری مانند آنتونیونی، ویسکونتی، ملویل و گدار همکاری کرد و در کنار بازیگران بزرگی مانند ژن کاین، عمر شریف، لینو ورتورا، کلودیو کاردیناله، مونیکا ویتی و... مقابل دوربین رفت.

خبرخوانی

جلوی فیلم‌سوزی را بگیرد

ایسنا: در جلسه هیئتمدیره انجمن تهیه‌کنندگان مستقل بحث مربوط به تعداد فیلم‌های روی اکران مطرح شد و برخی از اعضای هیئت‌مدیره اعتقاد داشتند که با توجه به اکران هشت فیلم در سرگروه، فیلم‌سوزی می‌شود و برنامه‌ریزی از فیلم‌سوزی به‌ویژه فیلم‌های سینمای اجتماعی اجتناب‌ناپذیر است. در ادامه هیئتمدیره با برگزاری نشست‌هایی درباره تولید فیلم اجتماعی و دلایل کاهش تماشاگر، لزوم تعطیل یا ادامه کار شورای پروانه فیلم‌سازی، دلایل تولید فیلم‌های غیررسمی و افزایش آنها، جشنواره فیلم فجر و دلایل کاهش اعتبار آن موافقت کرد. طبق پیگیری‌های ایسنا، در حالی درخواست معرفی نماینده جدید شورای عالی تهیه‌کنندگان به سازمان سینمایی برای شرکت در شورای پروانه فیلم‌سازی مطرح شده که هنوز دو سال زمان مدت قانونی حضور این نماینده تمام نشده است.

ایسنا در گزارشی اعلام کرد هیچ سوبه جدید و خطرناکی از کووید۱۹ در جریان نیست. یک پزشک توضیح داد: سوبه‌های در گردش، سوبه‌های معمول هستند. آخرین یافته‌های نظام مراقبت و دیدبانی عفونت‌های تنفسی بیانگر این است که نسبت ابتلا به کووید۱۹ طی چند هفته گذشته افزایش یافته و از دو درصد به چهار درصد رسیده است. افزایش دودرصدی از نظر میزان و سوبه‌نگران‌کننده نیست.

تاکنون بیش از ۴۰۰ مصدوم حادثه انفجار بندر شهید رجایی برای تعیین خسارت و میزان صدمات وارده به پزشکی قانونی بندرعباس مراجعه و توسط پزشکان آن مرکز معاینه شده‌اند. تاکنون ۴۸ قربانی انفجار بندر با روش‌های مختلف علمی تعیین هویت شدند.از سوبی دیگر نماینده بندرعباس گفته است: «هنوز هم آتش به‌طور کامل خاموش نشده. تعدادی از اجساد هنوز مانده‌اند و شناسایی نشده‌اند. برخی از اجساد کاملاً پودر شده و هیچ آثاری از آنها نیست.»

یکمیلیون و ۴۰۰ هزار لیتر سوخت قاقاج در خلیج فارس کشف شد. مرزبانان استان هرمزگان حین پایش نوار مرزی و گشت‌زنی در سطح حوزه استحفاظی، به چندین فروند خودرو و شناور حامل سوخت قاقاج که به وسیله مشک‌های بزرگ ماری‌شکل حمل می‌شدند، برخورد کردند. براساس این گزارش، از قاقاقچیان دو دستگاه خودرو توقیف و هشت عدد مشک ماری در این عملیات‌ها کشف شد.

۴ درصد

۴۰۰ مجروح

۱۴۰۰۰۰۰۰

لیتر